

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا وفواندن توراہ فودداری فرمایید.

אידען קלדיקע

שופטים

جهت مفا قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

4 الال 5781

5 ف ت ا ر ی ر و ش ن گ

آن شخص در پاسخ گفت: "این کار من اصلاً به شما ربط ندارد، من بلیط خریدم، پول دادم و این اتاق را اجاره کردم و هر کاری بخواهم در آن انجام می‌دهم بدون اینکه از کسی بپرسم!"

دیگر مسافران به او گفتند: "این کار تو بسیار هم به ما ربط دارد، اگر کشتی را سوراخ کنی و آب به داخل کشتی بیاید، جان همه ما به خطر می‌افتد."

سپس چند نفر او را محکم گرفتند و در گوشه‌ای بستند تا دیگر نتواند کشتی را سوراخ کند.

همچنین اگر متوجه شویم شخصی با سمپاشی منطقه را سمی می‌کند و به محیط زندگی ما آسیب می‌رساند، فوراً او را از کار خود باز می‌داریم و نمی‌گذاریم با سمپاشی زندگی ما را به خطر اندازد. معلوم است در چنین مواقعی جایز نیست که بگوییم:

"باید به او حق و آزادی داد تا هر کاری که می‌خواهد بکند و باید به احساسات و عقاید او احترام گذاشت." بلکه اگر این شخص از سمی کردن محیط زیست دست بردارد، او را دستگیر خواهند کرد و حتی در زندان خواهند گذاشت تا به مردم آسیب نرساند.

حال هم چنان که در زندگی مادی و جسمانی سم و خطر وجود دارد، در زندگی معنوی نیز سم و خطر وجود دارد، زیرا هر فردی که گناه انجام می‌دهد، یک دادستان می‌آفریند که این دادستانها به همه آسیب می‌رسانند. از این رو، توراہ دستور داده در برخی از موارد، سندهرین باید این افراد را محاکمه و بدی را از بین ببرد. به همین دلیل هم توراہ دستور داده ممنوع خود را نصیحت کرده و او را از راه خطا برحذر داریم.

دانشمندان توراہ فرموده‌اند در موارد معنوی، همه قوم یسرائل ضامن یکدیگر هستند. این مورد از نظر هلاخا نیز صادق است، به این صورت که اگر شخصی می‌خواهد چیزی بخورد، ولی براخای آن را نمی‌داند، چون این خوردن مورد مادی محسوب می‌شود، شخص

این پاراشا در مورد شخصی صحبت می‌کند که از راه توراہ بیرون می‌رود و بت‌پرستی می‌کند و به خورشید، ماه و یا بت دیگری تعظیم می‌کند. در این وضعیت باید مورد را خوب بررسی نمود و اگر واقعاً این چنین است و شاهدانی دیده باشند که این شخص بت‌پرستی می‌نماید و با وجود اینکه به او اخطار دادند که بت‌پرستی نکند، باز به این عمل ادامه می‌دهد، باید این شخص را سنگسار کرد و کشت تا بدی را از درون خود بیرون نمود.

از این مطلب می‌آموزیم که باید تلاش کرده تا هر بدی که در نزد ما وجود دارد را رفع و بیرون نماییم.

در این دوره سندهرین وجود ندارد که بتواند حکم کرده و مجازات را اجرا نماید و به همین جهت این هلاخا امروز انجام نمی‌شود. ولی با این حال باید فهمید چرا اگر دیگری کار بدی انجام می‌دهد، ما موظف هستیم این بدی را برطرف کنیم؟ چه ارتباطی به ما دارد که در کار دیگری دخالت نماییم؟

برای درک این مورد، مثالی را که زوهر هقادوش در این باره می‌آورد، ذکر می‌کنیم:

چند نفر با یک کشتی سفر می‌کردند که از داخل یکی از اتاقها صدای تق و توق شنیدند. وقتی منبع صدا را جست و جو کردند، متوجه شدند یکی از مسافریں دارد کف اتاق خود را سوراخ می‌کند. مسافریں دیگر با تعجب از او پرسیدند: "تو داری چیکار می‌کنی؟" آن شخص در پاسخ گفت:

"من می‌خواهم از اتاق خود، دریا را ببینم پس دارم کف اتاق خود را سوراخ می‌کنم!"

حاضرین به او گفتند: "تو با این کار ابلهانه خود جان همه ما را به خطر می‌اندازی!"

1 اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (آی، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلاخا و زندگی روزمره دارید از اتمام لطف

دوست خود را نصیحت نماید و او را از انجام گناه باز دارد، ولی او را نصیحت نمی‌کند، او نیز به سبب این گناه مجازات خواهد شد. در اینجا باید توجه داشت به چه صورت باید نصیحت کرد که شخص مقابل خجالت‌زده نشود و یا لج نکند. فردی که می‌داند که نصیحت او باعث عصبانیت شخص مقابل شده و بدتر می‌کند، بهتر است نصیحت نکند. از طرف دیگر، شخصی که می‌داند اطرافیان حرف او را گوش می‌دهند، برای مثال بزرگ خانواده، راو کنیسا، راو شهر و غیره، اگر نصیحت نکند، او نیز گرفتار مجازات این گناه خواهد شد. در هر صورت می‌بینیم هر گناهی هوای معنوی را سمی می‌کند و از سوی دیگر، هر میصوایی نعمت و برکت به این دنیا می‌آورد. پس موظف هستیم تا حد امکان، نعمت و برکت را بیشتر کرده و جلوی گناه را بگیریم، تا هم در این دنیا و هم در دنیای آتی زندگی خوبی داشته باشیم.

دیگری نمی‌تواند بجای او براه بگوید، چون او از این ماده خوراکی لذت نمی‌برد. ولی اگر شخصی می‌خواهد میصوا انجام دهد و براهی آن میصوا را بلد نیست، چون این یک مورد معنوی است، شخص دیگری می‌تواند به جای هم‌نوع خود براه بگوید تا شخص اول بتواند آن میصوا را انجام دهد، حتی اگر شخص دوم آن میصوا را انجام داده و دیگر موظف به آن میصوا نیست. چون در مسائل معنوی، ضامن یکدیگر هستیم، پس چنین امکانی وجود دارد تا شخصی براه بگوید تا هم‌نوعش میصوا را انجام دهد. در مورد گناهان نیز این مورد صادق است و اگر متوجه می‌شویم شخصی در حال انجام گناه است، باید او را نصیحت نموده و نگذاریم این کار را انجام دهد. اگر فرد چنین توانایی را دارد که

تعیین قاضی و پلیس برای فویشتن

ساعتی در روز نیست که شخص، حکم قاضی و پلیس را ندارد. پس وی باید خود را آماده کند که لایق این پست و مقام باشد، بدانند چطور قضاوت کند و چطور حکم خود را اجرا نماید. توره در ادامه فرمان می‌دهد: "حکم را کج نکن"، "ارفاق نکن"، "رشوه نگیر". این ملاحظات، تنها ملاحظات کلی نیستند، بلکه هر یک از ما مخاطب این ملاحظات هستیم و هنگام تصمیم‌گیری، نباید قضاوت را کج کنیم، به خود ارفاق کنیم و یا از خود رشوه بگیریم. گاهی شخص با خود می‌گوید: "فلان کس دوست من است و مناسب نیست با او چنین رفتاری داشته باشم." و یا شخص به خود رشوه داده و می‌گوید: "اشکال ندارد که من این چنین رفتار کردم." در طول روز، شخص دفعات بسیاری مورد این آزمایش قرار می‌گیرد، چه در مورد پول و دارایی هم‌نوع خود، چه در مورد احترام به هم‌نوع خود و موارد دیگر. پس شخص باید توجه داشته باشد در این موارد به گونه‌ای مناسب قضاوت و به صورت شایسته عمل نماید. شخص چطور می‌تواند از کج کردن قضاوت، ارفاق و رشوه گرفتن نجات پیدا کند؟ وقتی شخص خود را با توره و خد-اترسی مجهز می‌کند، پس در موقع تصمیم‌گیری می‌تواند با صداقت و عدالت عمل کرده و از این آزمایشات سربلند بیرون آید.

در این پاراشا، توره دستور می‌دهد در دروازه هر شهری باید قاضیان و پلیس تعیین نمود تا مردم را با صداقت قضاوت نمایند. راشی در توضیح این مورد می‌نویسد: "قاضیان محاکمه می‌کنند و پلیس حکم قاضی را اجرا می‌کند." افراد بسیاری با خواندن این آیات توره می‌گویند: درست است که این میصوای تعیین قاضی و پلیس یکی از میصواهای مهم توره است، ولی این میصوا به من ارتباطی ندارد و من از انجام این میصوا معاف هستم. ولی در واقع دانشمندان پند و اندرز در این مورد می‌نویسند: درست است که این میصوا، یک میصوای جماعتی است، ولی توره در امر این میصوا می‌گوید: "در هر دروازه‌ای قاضیان و پلیسهایی را تعیین کن" به این مفهوم که هر شخصی موظف است این میصوا را انجام دهد و برای خود قاضی و پلیس تعیین نماید. شخص باید قاضی و پلیس خودش باشد. ربی بیسرائل از سالانط روحش شاد در این باره می‌نویسد: "اگر فرد در رفتار خود توجه کند، می‌بیند در طول روز، دفعات بسیاری، وی قاضی خودش است. در طول روز، سوالات فراوانی برای وی پیش می‌آیند، چه از نظر هالاخا که الان باید چه کار کند و چه از نظر رفتار که الان چه رفتاری مناسب‌تر است و شخص باید فوراً تصمیم بگیرد چطور عمل نماید. وقتی تصمیم می‌گیرد، فوراً تصمیم خود را اجرا می‌کند. در اینجا، شخص هم قاضی و هم پلیس است، هم حکم می‌دهد و هم اجرا می‌کند."

در چنین مواقعی راو باید هم هلاخاها را خوب بلد باشد و هم خد-اترسی و مسؤولیت پذیری بسیاری داشته باشد، زیرا که اگر بی‌مورد بگوید که این گاو طرفا است، باعث می‌شود که قصاب مبلغ بسیاری را از دست بدهد و اگر بی‌مورد بگوید که این گاو کاشر است، باعث می‌شود که مردم گوشت طرفا بخورند.

ربی یوناتان ایویشیص به قصابی رفت و گاو را بررسی نمود و پس از بررسی مجدد هلاخا از هر نظر، فرمود:

”این گاو طرفا شده است.“

قصاب در پاسخ گفت: ”چه می‌توان کرد، این خواست خد-اوند است، من پول بسیاری از دست می‌دهم و امیدوارم خد-اوند این مبلغ را از جای دیگری برای من بفرستد.“

این ماجرا گذشت و چند روز بعد، آن قصاب با دوست خود به نزد ربی یوناتان ایویشیص آمد. این بار با دوست خود سر مبلغ بسیار کمی دعوایش شده بود و به نزد ربی یوناتان ایویشیص آمده بودند تا بین آنها قضاوت نماید.

ربی یوناتان صحبت هر دو را شنید و آن دو نفر، حین تعریف ماجرا، سر یکدیگر داد و فریاد نموده و یکدیگر را نفرین می‌کردند. پس از شنیدن هر دو طرف، ربی یوناتان دوباره هلاخا را خوب بررسی نمود و پس از نتیجه‌گیری به قصاب فرمود: ”حق با دوست تو است، تو باید این مبلغ را به او بپردازی.“

قصاب با شنیدن این مورد شروع به داد و فریاد کرد و گفت: ”شما رشوه گرفته‌اید و به همین جهت بر علیه من قضاوت کردید، حق با من است، ولی شما با من دشمنی دارید و به همین جهت حق را به دوست من دادید.“

ربی یوناتان با خود گفت: چطور چند روز پیش برای مبلغی بسیار بیشتر، این قصاب نه داد و فریاد و نه نفرین کرد، ولی امروز، برای مبلغ بسیار ناچیز هم دوست خود و هم من را نفرین کرد. علت چیست؟!

بلکه طبیعت انسان این است: وقتی به دوست خود می‌بازد و باید مبلغی را بدهد تا دوستش نفع کند، تحمل چنین موردی برای انسان سخت است پس چنین داد و فریادی را راه می‌اندازد. انسان باید بداند همه چیز طبق نظارت خد-اوند انجام می‌شود و بدون خواست خد-اوند هیچکس نمی‌تواند به وی آسیب یا ضرر برساند. انسان باید بداند اگر همنوع به انسان توهین می‌کند یا به او ضرر می‌رساند، این شخص فرستاده‌ای از جانب خد-اوند است و انسان در نزد خود جست

دانشمندان توراه در طول زندگی خود زحمت بسیاری در راه توراه و خد-اترسی کشیدند، به مانند فرشتگان می‌مانند و با سربلندی این آزمایشات را پشت سر می‌گذاشتند.

در مورد ربی یخزقتل لوینشطین تعریف شده یک بار از وی دعوت شد تا در مراسم ترحیم یک عالم توراه شرکت نماید. در مراسم ترحیم، از ربی یخزقتل خواستند از این عالم توراه که از دنیا رفته تعریف نماید و با نصیحت، مردم را به خد-اترسی و انجام میصواهای توراه فرا بخواند. چون در چنین مراسمی قلب مردم باز است، ربی یخزقتل لوینشطین عادت داشت در چنین مراسمی صحبت نماید. ولی آن روز، هر چقدر اصرار کردند، ربی یخزقتل حاضر نشد صحبت نماید. چندی بعد، یک از شاگردان از ربی یخزقتل پرسید: ”شما همواره در چنین مراسم‌هایی صحبت می‌کردید و با جملات پند و اندرز مردم را به راه توراه و خد-اترسی دعوت می‌کردید. در این روز، هم احترام آن عالم توراه بود که صحبت کنید و هم مزکی کردن مردم، پس چرا شما در این مراسم صحبت نکردید؟“

ربی یخزقتل در پاسخ فرمود: ”چند روز قبل از این مراسم، نوه من نیز از دنیا رفت و اگر صحبت می‌کردم، به گریه می‌افتادم و این گریه من فقط به خاطر آن عالم توراه نبود، برای نوهام هم بود. به این صورت من مردم را فریب می‌دادم که فقط برای این عالم توراه گریه می‌کنم و به همین جهت نخواستم در آن مراسم صحبت کنم.“

حال چه کسی به چنین جزئیاتی توجه می‌کند؟ چه کسی با خود می‌گوید همه چیز تا این حد باید دقیق و پاک باشد؟ شخصی که واقعاً درک می‌کند که او قاضی و پلیس خودش است و توراه به او امر می‌نماید که درست قضاوت نماید، می‌داند تا این حد باید دقیق و پاک باشد و به تمام جزئیات توجه کند.

فقط با آموزش توراه و خد-اترسی می‌توان به این دقت و طهارت رسید. هرچقدر که شخص بیشتر کتب پند و اندرز را مطالعه نماید و به مطالبی که می‌خواند توجه داشته باشد، بیشتر در این مورد پاک و طاهر می‌شود.

بدون آموزش توراه و خد-اترسی، امکان دارد برای مبلغ بسیار ناچیزی با دوستان خود دعوا کند. ربی یوناتان ایویشیص در کتاب خود یعروت دوش می‌نویسد یک بار یک قصاب به نزد او آمد و در مورد گاوی که شخیطاً کرده بود پرسید که آیا این گاو کاشر است یا طرفا شده؟

مطمئناً خد-اوند نمی‌گذارد حق او پایمال گردد و وقتی شخص برای صلح و آشتی از حق خود می‌گذرد ، خد-اوند از جای دیگری این مبلغ را جبران می‌کند.

ربی خیییم از بریسک روحش شاد در این باره می‌فرماید: "پول ارزان‌ترین چیز است. بدین مفهوم که وقتی پادشاه می‌خواهد ، فردی را مجازات نماید ، سربازان خود را فرستاده تا او را دستگیر و زندانی نمایند. ولی خد-اوند نیازی به سرباز ندارد ، شخص را بیمار نموده و وی در تخت خود اسیر شده و زجر می‌کشد. ولی وقتی این شخص پولی را از دست می‌دهد ، خد-اوند دیگر این بیماری را برای او نمی‌فرستد و جان او را از بیماری نجات می‌دهد. پس در این صورت وی با صرفنظر از مبلغی پول ، جان خود را از رنج و بیماری نجات می‌دهد. شخص باید بداند با صرفنظر کنار آمدن ، هیچ چیزی را از دست نداده و فقط محبت خد-اوند را بیشتر به سمت خود سوق می‌دهد."

برگرفته از: "مکید دواراو لیمقوب"

و جو کند چه عملی انجام داده که خد-اوند چنین آسیبی را برای او فراهم کرده است.

هخافص خیییم روحش شاد در این باره مثال می‌آورد و می‌فرماید: وقتی یک پدر به خانه می‌آید و می‌بیند دو فرزند او در حال دعوا بوده و یکدیگر را کتک می‌زنند ، پدر با مشاهده این مورد ناراحت می‌شود و به دنبال علت دعوا می‌گردد و متوجه می‌شود دو فرزندش برای مورد ناچیزی ، مثلاً اسباب‌بازی یا یک تکه کیک با هم دعوا می‌کنند. در حین دعوا ، یکی از برادران بلند می‌شود و می‌گوید:

"لازم نیست سر این کیک دعوا کنیم ، همه کیک برای تو و من از خوردن آن صرفنظر می‌کنم!"

وقتی که پدر چنین موردی را می‌شنود ، بسیار خوشحال می‌شود و به فرزنددی که خود را از دعوا کنار کشید ، می‌گوید: "آفرین بر تو ، بسیار خوشحال شدم که دعوا را پایان دادی ، فردا برای تو یک کیک کامل می‌خرم و می‌آورم."

خافص خیییم در ادامه می‌فرماید: "در زندگی روزمره نیز شخص با اطرافیان خود دعوا می‌کند و وقتی خوب علت آن را بررسی می‌کند ، متوجه می‌شود موردی جزئی ، این همه دعوا را به راه انداخته که اگر یکی از طرفین بلند شده و کنار بیاید و بگوید: "همه چیز برای تو" ،

مقاطبین مختره

هر روز به غیر از روز جمعه شیصور توراه به زبان فارسی اجرا می‌شود.

*صبح از ساعت ۱۱:۰۰ - ۱۰:۰۰ شیصور پند و اندرز *بعدازظهر از ساعت ۱۶:۱۵ - ۱۵:۳۰ شیصور هلافا

*بعد از پایان شبوات از ساعت ۲۳:۰۰ - ۲۲:۰۰ پاراشای هفته

شیصورها به صورت زنده از طریق کل هلاشون(קול הלוין) پخش می‌شوند. شماره: ۰۳-۶۱۷۱۱۱۱-۰۳ داخلی ۷* و سپس ۲۲۲۵

قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نماینده‌ای

برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

***یروشالیم:** گئولا ، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

***تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳ ، آقای کهن فولادی ۹۳۷۸۲۸۱-۰۴ ***کفرسابا:** آقای مروتی کهن تلفن ۳۵۶۱۵۲۹-۰۵۲

***ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۸۶۸۶۸۸۶-۰۵۲ ***بیطار:** خانواده آقای نورانی تلفن ۸۴۲۸۹۳۶-۰۵۴

***تارنمای:** پاراشای هفته ۱ پاراشای هفته ۲